

بسم الله الرحمن الرحيم

جنگ اوکراین و خطر تورم پولی

(ترجمه)

بدون شک، این نخستین و آخرین باری نیست و نخواهد بود که نظم مالی سرمایه‌داری غرب با خطرهای بزرگی تهدید می‌شود؛ خطرهایی که تأثیرات منفی آن تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی را در بر می‌گیرد، مانند نظم پولی و واحدهای پولی، سازمان‌های پولی از قبیل بانک‌ها و بازارهای بورس، سازمان‌های قرضه‌دهنده جهانی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، نظام‌های متفق علیه مبادلات تجاری از طریق نظم سرمایه‌داری مانند سوئیت، بتکوبین و امثال آن، ارزش کالا و خدمات، معاشات/حقوق کارمندان و حق‌الزحمه‌ها و سایر موارد گوناگون و متعددی که به گونه‌ی سریع و فعال از این نظم مالی حاکم بر جهان متأثر می‌باشند.

چنانچه در سال 1929م، یعنی بعد از جنگ جهانی اول، در پی اختلالی که در اقتصاد جهانی به ویژه در امریکا رخ داد، رکود موسوم به رکود بزرگ اتفاق افتاد و باعث فروپاشی‌های سریعی در نظم مالی گردید که تقریباً تمام بخش‌های این نظم را فرا گرفت؛ طوری که بازارهای بورس در یک روز به شدت به اهتزاز در آمد و ملیاردها دالر خسارت به بار آورد؛ از جمله داو جونز در بازار مالی در حدود 22% از ارزش خود را در یک روز از دست داد و خسارت‌هایی به بار آمده برای امریکا در جریان چند روز از شروع بحران به حدود 30 ملیارد دالر رسید، یعنی ده برابر بیش‌تر از بودجه امریکا. پیامدهای این رکود به امریکا خلاصه نشد، بلکه دامن فرانسه، آلمان و سایر دولت‌های اروپائی را نیز گرفت. این وضعیت برای حدود ده سال پی‌هم ادامه داشت و امریکا هرگز موفق نشد از این بحران ویرانگر بیرون آید؛ مگر بعد از آنکه یک بار دیگر در کنار دولت‌های متحدین وارد جنگ دوم جهانی گردید و پس از آن رفته رفته بهبود یافت. دلیل به وجود آمدن این بحران از نظر بسیاری از اقتصاددانان، رکودی بود که در نتیجه پایان جنگ، دامن بازارهای مالی را گرفت و در نتیجه، کارخانه‌های تولید ابزار امریکا متوقف گردید و لشکرهایی از بی‌کاران ظاهر گردیدند. این وضعیت به دلیل افزایش عرضه و کاهش تقاضا به گونه‌ی مستقیم بالای بازارهای مالی تأثیر گذاشت و در نتیجه، ارزش سهام به گونه‌ی چشمگیری افت نمود. دقیقاً همین فاجعه پس از جنگ جهانی دوم در اروپا نیز تکرار شد، چنانچه اروپا در حالی از جنگ جهانی دوم فارغ گردید که پر و بال اقتصادی آن در هم شکسته بود و اگر مداخله امریکا از طریق طرح مارشال نبود، عنقریب از نظر اقتصادی سقوط کرده بود؛ طرحی که به هدف نجات اروپا در ده سال پی‌هم روی دست گرفته شد. در سال 1990م در بلوک شرق نیز فاجعه‌ای رخ داد که دلیل آن، هزینه‌های هنگفت جنگ در افغانستان و نواقص نظم اقتصادی مفکوره سوسیالیسم و همچنین رقابت پرهزینه تسلیحاتی با امریکا در پروژه جنگ ستارگان و سایر پروژه‌های نظامی بود. این سقوط مالی و اقتصادی – در کنار سایر عوامل – منجر به پارچه‌پارچه شدن کامل نظام سوسیالیسم گردید و نظم مالی و خود مفکوره سوسیالیستی به صفت یک دیدگاه زندگی و من حیث یک نظام - که ادعای سر و سامان دادن به امور بشریت را داشت - از هم پاشید. در سال 1997م فاجعه طراحی شده‌ای در بازارهای مالی رخ داد و در پی آن ببرهای آسیایی از همپاشید و بازارهای مالی جهانی از آن متأثر گردیده و باعث خسارت‌های بزرگ شد، در حدی که نزدیک بود برخی دولت‌ها را به صورت کامل نابود کند.

سپس بحران مالی سال 2008م پیش آمد، بحرانی که به بحران املاک مشهور شد، چنانچه بازارهای مالی بسیاری از ارزش خود را از دست داد و منجر به از همپاشی سازمان‌های مالی و بانک‌ها گردید، در حدی که اگر مداخله دولت، مخصوصاً در امریکا از طریق در هم شکستن قوانین نظام اقتصادی غرب و بازار آزاد نمی‌بود و به این ترتیب برخی از سازمان‌های حیاتی نجات داده نمی‌شد، به احتمال زیاد تمام نظم مالی امریکا و در نتیجه آن، نظم مالی تمام جهان نابود می‌گردید.

این بود نمونه‌هایی از بحران‌های این چینی که تا کنون رخ داده و هنوز هر از گاهی رخ می‌دهد. شکی نیست که جهان در حال حاضر در برابر فاجعه‌ی جدیدی قرار گرفته که جنگ اوکراین و جنگ‌های اقتصادی ناشی از آن در برابر روسیه و احتمالاً به زودی در برابر چین، خبر از ظهور نشانه‌های آن می‌دهد. اینک پرسش این است که کدام موارد است که به گونه‌ی مستقیم از این بحران نظامی متأثر می‌گردد و راه نجات بشریت از گرداب این فاجعه بزرگ چیست؟

موارد زیادی وجود دارد که تحت تأثیر اقتصادی این جنگ قرار می‌گیرد و مهم‌ترین آن قرار ذیل است: تورم مالی و افزایش بهای اجناس که منجر به کاهش توانایی خرید کارگران و کارمندان می‌گردد؛ واقعیتی که در نتیجه کاهش ارزش پول نقد به سبب عرضه زیاد آن در بازارها به وجود می‌آید.

شکی نیست که مسئله تورم بخش جدائی‌ناپذیر نظام سرمایه‌داری به شمار می‌رود و این پدیده دامن تمام دولت‌ها را به درجه‌های مختلف با توجه به تفاوتی که در میان آن وجود دارد، می‌گیرد. تورم اسباب و دلایل زیاد دارد که برجسته‌ترین آن، نظم خشک و ناکارآمد موجود است که ارزش ذاتی ندارد و موجودیت آن در بازارها، ارزش واقعی آن را تمثیل نمی‌کند. اینجاست که تورم صورت می‌گیرد، به علاوه اسباب دیگری که در بخش طریقه معالجه ناکارایی‌های نظام مالی موجود به شکل عام به آن اشاره خواهیم نمود. پس زمانی که حجم پول نقد در بازار در مقایسه با حجم اقتصاد موجود افزایش می‌یابد، یعنی از سطح مطلوب فراتر می‌رود، باعث تورم می‌گردد و در نتیجه، ارزش پول موجود در اختیار مردم پایین آمده و بهای اجناس بالا می‌رود و این باعث می‌شود ارزش معاشات/حقوق کارمندان به گونه خودکار در برابر کالاها و خدمات کاهش یابد. معمولاً دولت‌ها برای معالجه تورم سعی می‌کنند راه‌های ناهموار و پیچیده‌ای از جنس خود نظام حاکم را ببینند، طوری که اقدام به بالابردن نرخ فائده‌های سودی می‌کنند تا باعث شود حجم بیشتری از پول نقد از بازارها جمع شده و وارد بانک‌ها گردد تا باشد که ارزش پول نقد در برابر کالا و خدمات بالا رود و در نتیجه وضعیت معاشات/حقوق بهبود یابد. هرچند این معالجه در مسئله تورم مؤثر واقع می‌شود، اما پیامدهای فاجعه‌باری بالای سایر بخش‌های اقتصاد خواهد گذاشت؛ مانند کم‌شدن پروژه‌ها به دلیل افزایش نرخ سودهای بانکی بر قرضه‌ها و این امر باعث می‌شود همان فاجعه یک بار دیگر در قالب افزایش مجدد بهای کالا برگردد و بالای میزان بیکاری نیز تأثیر گذارد؛ طوری که بی‌کاری به دلیل کمبود پروژه‌های اقتصادی در جامعه افزایش یابد.

بسیاری از بازارهای مالی غرب، به ویژه آمریکا، با تورم دست و پنجه نرم می‌کنند؛ در حدی که اقتصاددانان در داخل آمریکا پیوسته از مسئله رکود و افزایش بهای کالا و کاهش تولید و کم شدن ارزش معاشات/حقوق هشدار می‌دهند و می‌گویند که این امر سرانجام منجر به نابسامانی‌های اجتماعی در داخل ایالت‌های آمریکا خواهد شد.

چنانچه تورم در سال جاری به 8.5% رسید که از سال 1981م تا کنون بی سابقه بود. سایت "بی بی سی" به تاریخ 13 اپریل 2022م در گزارشی نوشت که سطح تورم در ایالات متحده در پی افزایش قیمت مواد سوخت در جریان ماه اول جنگ اوکراین، به بلندترین حد خود طی 40 سال گذشته رسید. همچنین قیمت کالا تا 8.5% افزایش یافت که بزرگترین افزایش سالانه از ماه دسمبر سال 1981م تا کنون را نشان می‌دهد. وزیر کار آمریکا به تاریخ 12 جنوری 2022م به گونه هشدارآمیز گفت: «افزایش میزان تورم، فشارها بالای نخبه‌های فدرال آمریکا "بانک مرکزی" را به دلیل شدت گرفتن سیاست نقدی، افزایش خواهد داد، زیرا داشته‌های ارزی و اوراق مالی آن کاهش و نرخ سود افزایش می‌یابد. باید گفت که میزان تورم در حال حاضر به مراتب بیشتر از سطحی است که بانک مرکزی آمریکا در میان مدت در حد 2% پیش‌بینی کرده است.» روبرت هابیک معاون مشاور وزیر اقتصاد آلمان در کنفرانس اقتصادی داووس در سال 2022م هشدار داده گفت: «ما حد اقل با چهار بحران در هم تنیده مواجه هستیم. ما تورم رو به افزایش داریم، بحران انرژی داریم، فقر غذایی داریم و بحران آب و هوا داریم. قادر نخواهیم بود این مشکلات را حل کنیم، اگر قرار باشد فقط روی یک بحران تمرکز کنیم.» وی افزود: «اگر هر یک از این مشکلات حل نگردد، من واقعاً می‌ترسم که با رکود جهانی مواجه خواهیم شد که بالای ثبات جهانی تأثیرگذار است.»

مطمناً این تورم متوقف نمی‌شود، بلکه با تداوم زمان جنگ افزایش خواهد یافت. این جنگ و محاصره روسیه بالای بسیاری از امور اقتصادی جهان تأثیر خواهد گذاشت، از جمله قیمت سوخت، کاهش شمار گردش‌گران، افزایش بهای کالا و خدمات، کم شدن صادرات به خارج، نوسان بازار مالی و سایر موارد.

دلیل افزایش میزان تورم جهانی این است که امور اقتصادی جهان به هم‌پیوسته بوده و هر بخش آن از بخش دیگر متأثر می‌باشد و هیچ کدام از دیگری جدا نیست، چه در یک کشور مانند آمریکا و چه در سایر کشورها. جنگ اوکراین پیامدهای منفی زیادی داشته و در نتیجه باعث این همه موارد خطرناک بالای اقتصاد سراسر جهان گردیده است. محاصره روسیه منجر به افزایش قیمت بسیاری از کالاهای حیاتی گردیده، مخصوصاً انرژی و غله‌جات و در نتیجه بالای میزان صنعت و صادرات و همچنین

قیمت سایر کالاهای حیاتی تأثیر گذاشته. میزان گردش‌گری، واردات و صادرات و بازارهای مالی جهان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به هر اندازه‌ای که یکی از این امور تحت تأثیر قرار گیرد، سایر بخش‌های اقتصاد جهانی نیز به همان اندازه تحت تأثیر قرار می‌گیرد. ظاهراً این موارد در حال افزایش است و توقف ندارد و ممکن است، چنان‌که قبلاً اشاره شد، دامن چین و همپیمانان آن را نیز بگیرد که در آن صورت فاجعه‌ها یکی بالای دیگری مترکم خواهد شد.

قطعاً سبب اساسی موضوع تورم هیچ یک از اموری نیست که تا کنون یاد آور شدیم - البته اگر نظام درستی وجود داشته باشد که پول در آن از ارزش ذاتی بر خوردار است- بلکه این تورم به سبب نظام نقدینگی غلط موجود رخ داده، نظامی که در ارزش خود به خود متکی نیست و نه حتی به کالا و خدماتی که بر اساس ارزش ذاتی خود استوار باشد. بدون شک، اساسی‌ترین سبب همانا نظام نقدینگی است که در سراسر جهان رایج است و به هیچ ارزش ذاتی متکی نیست. بناءً مسئله تورم، مسئله‌ای است که با نظام نقدینگی سرمایه‌داری گره خورده، به علاوه این‌که از تکان‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی متأثر گردیده است. اگر وضعیت به شکل درست و سالم آن جریان می‌داشت، یعنی نقدینه در ارزش خود به طلا و نقره متکی بود، قطعاً تورم رخ نمی‌داد و هرگز سایر مشکلات اقتصادی مربوط به نظام مالی به وجود نمی‌آمد.

مسئله تورم نقدی یکی از بدی‌ها نظام حاکم بر جهان امروز است؛ نظام بیماری که به مکیدن خون ملت‌ها و غصب و غارت از طریق نظام نقدی بنا یافته. گذشته از آن؛ پیوسته برای جهان بحران‌های متعدد و متنوع به بار می‌آورد، از جمله موضوع تورم که پس‌اندازها و معاشات/حقوق آنان را هدف قرار داده و از آنان به تاراج می‌برد و بهای کالاهای حیاتی را همواره افزایش می‌دهد و مردم ناچار اند برای تداوم زندگی و بقای خود آن را تحمل نمایند. در تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی رعب و وحشت انداخته و عوارض گوناگون مرتبط با این مفاسد بزرگ را بار می‌آورد.

شکی نیست که رهایی از دام تورم مالی و مصیبت‌های فراوانی که در تمام بخش‌های اقتصادی به بار می‌آورد، تنها و تنها در گرو تطبیق نظام صحیح نقدینگی و تمام امور حیاتی مربوط به زندگی بشر قرار دارد. چنین نظامی قبل از جنگ جهانی اول تا حد مشخصی تطبیق می‌گردید و این خطر به مراتب نسبت به فعلاً کمتر متصور بود، یعنی نقدینه تا حدود زیادی توسط طلا پشتیبانی می‌گردید و در نتیجه، خطرهای اقتصادی خیلی کمتر بود به ویژه در مسئله تورم مالی، امری که در حال حاضر تمام بخش‌های اقتصاد جهانی را به شدت تهدید می‌کند.

باید دانست که تطبیق این نظام صحیح، ممکن نیست مگر به صورت کامل و متکامل و همچنین نمی‌توان آن را در یک عرصه -که نظام پولی باشد- تطبیق نمود، زیرا به سرعت پرده از دولت‌های متکی به غصب و تاراج بر می‌دارد و اقتصاد بی‌بنیاد آن را هویدا می‌کند. بناءً لازم است نظام پولی در کنار نظم اقتصادی اسلام تطبیق گردد، نظامی که نظام پولی نیز بخشی از آن است. این کار ممکن نیست؛ مگر در زیر سایه دولتی که به این نظام باورمند است و آن را در گام نخست در سرزمین‌های خودش تطبیق نموده و سپس آن را به صفت پیام خیر و هدایت برای سایر جهانیان حمل می‌کند. آنگاه است که تمام این نظام‌های مریض و فرسوده از هم پاشیده و پرده از واقعیت متعفن آن برداشته خواهد شد و این فرموده آفریدگار جهانیان عز و جل مصداق عملی پیدا خواهد نمود:

﴿أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (توبه: 109)

ترجمه: آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرومی‌ریزد؟ و خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند!

از او تعالی می‌طلبیم؛ حوادث پیش‌آمده را مقدمه برگشتن اسلام به صحنه زندگی و برملا شدن چهره واقعی ایدئولوژی‌های بیمار کفار قرار دهد، درست همان‌گونه که چهره فارس و روم را پیش از طلوع نور اسلام برملا نمود و فضا برای برپایی دولت اسلام فراهم گردید! اللهم آمین و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین!

نویسنده: حمد طبیب - بیت المقدس

مترجم: عبدالله دانشجو